

اثرات سیاستهای حمایتی بر سطح رفاه جامعه کارگری

مجری طرح: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

کارفرما: موسسه کار و تامین اجتماعی

سال اجرا: ۸۰-۱۳۷۹

مسئول طرح: دکتر حسین صادقی

واژگان کلیدی: رفاه، منحنی لورنز، ضریب جینی، تامین اجتماعی، توزیع درآمد

خلاصه‌ای از نتایج و کلیات تحقیق:

عدالت در توزیع درآمد از اهداف مهمی است که معمولاً دولتها در تلاش برای دستیابی به آن می‌باشند و حداقل می‌توان گفت که هنگام مبارزات انتخاباتی جهت رسیدن به قدرت به آن متوسل می‌شوند. اقتصاددانان، بخصوص آنها که در زمینه رفاه صاحب نظر می‌باشند، دولت را موظف به کوشش برای تحقق عدالت در توزیع درآمد می‌دانند.

نباید از نظر دور داشت که بسته به ارزشهای حاکم، مفاهیم متفاوت و بعضاً متضادی از این عبارت ارائه شده است. برای مثال، طرفداران مکتب مطلوبیت‌گرایی معتقدند که عدالت در توزیع یعنی اینکه رفاه کل جامعه حداکثر شود و هنگامی رفاه جامعه حداکثر خواهد بود که مطلوبیت نهایی افراد برابر باشد. این معیار بطور ضمنی بیان کننده آن است که هر چه محصولات مادی جامعه متوجه افرادی باشد که دارای مطلوبیت بیشتری هستند، رفاه جامعه نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین در چنین برخوردی با مسئله عدالت به هیچ‌وجه انسان‌دوستی و نوع‌دوستی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

دولت صرفاً موظف است ترتیب‌های توزیعی را به نحوی شکل دهد که رفاه کل جامعه - که از مجموع رفاه تک تک افراد به دست می‌آید - حداکثر شود. برخلاف عقیده فوق و در نقطه مقابل، اقتصاددانان دیگری مانند «راولز» و پرفسور «میشان» مفهومی انسان‌دوستانه و مبتنی بر حس نوع‌طلبی از عدالت ارائه داده‌اند و دولت را موظف دانسته‌اند که با انجام اقداماتی از میزان رنج انسانی افراد و همچنین نابرابری بین قشرهای مختلف بکاهد.

این تحقیق مشتمل بر ۱۰ فصل است که در فصل اول به بررسی پاره‌ای از مفاهیم، شاخصهای اندازه‌گیری رفاه و داده‌های مورد استفاده در این زمینه می‌پردازد. از آنجائیکه هدف نهایی فعالیت‌های اقتصادی در یک مفهوم کلی به عنوان «افزایش رفاه» تعبیر می‌گردد، برای بررسی وضعیت رفاه «جامعه کارگری» لازم است که ابتدا شاخصهای اندازه‌گیری رفاه مورد بررسی قرار گیرد. ادبیات اقتصادی در این زمینه به تجزیه و تحلیل رفتار مصرف‌کنندگان «خانوارها» برای دستیابی به رفاه و شاخصهای مشخص کننده آن می‌پردازد.

در ادامه بحث شاخصهای اندازه‌گیری رفاه مورد بررسی قرار گرفته و برای این منظور طبقه‌بندی مناسبی از شاخصهای مزبور برآورد شده و شاخصهای برخورداری، هزینه زندگی، درآمد خانوار و فقر از شاخصهای عمده‌ای است که مورد اشاره قرار گرفته و در ادامه فصل داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر بررسی شده است.

در فصل دوم این تحقیق، ابتدا قوانین مربوط به نیروی کار ارائه می‌شود و سپس در ادامه سرنوشت نیروی کار از دیدگاه‌های مختلف و همچنین شرایط عمومی زندگی کارگران در ایران ارزیابی می‌شود. فصل سوم این تحقیق به مروری بر تحقیقات انجام شده می‌پردازد. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که با توجه به داده‌های هزینه و درآمد خانوار، تلاش چندانی برای ارتقای جایگاه جامعه کارگری صورت نپذیرفته است. در این زمینه تنها می‌توان به تحقیق اداره آمار و مطالعات نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی صورت گرفته اشاره کرد. فصل چهارم به بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق در زمینه شاخصهای برخورداری خانوارهای مورد مطالعه می‌پردازد. موضوعات اصلی مورد بحث در این فصل شامل مطالب زیر می‌باشد:

- ۱- نحوه تصرف محل سکونت، ۲- تعداد اتاق در اختیار خانوار، ۳- سطح زیر بنای محل سکونت، ۴- لوازم مورد استفاده خانوار، ۵- تسهیلات مورد استفاده خانوار.

در فصل ۵ به بررسی یافته‌های تحقیق در زمینه ساختار هزینه خانوارهای مورد بررسی در گروه اصلی شغلی و گروه‌های شاهد می‌پردازد. شایان ذکر است که یافته‌های تحقیق در این بخش نشان دهنده خصوصیات اقتصادی خانوار در زمینه ساختار تصمیم‌گیری مربوط به هزینه می‌باشد. موضوعات اصلی مورد بحث در تحقیق حاضر شامل مطالب زیر می‌باشد: ۱- ترکیب هزینه‌های خانوارهای مورد بررسی، ۲- ترکیب هزینه خوراکی و غیر خوراکی تحت بررسی، ۳- ترکیب هزینه‌های غیر خوراکی، ۴- ترکیب هزینه‌های خوراکی و دخانی.

در فصل ۶ شاخص‌های توزیع درآمد فقر در ایران مورد بررسی قرار گرفته و اشاره‌ای اجمالی به توزیع درآمد قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب می‌شود و در ادامه به مقایسه شاخصهای توزیع درآمد در ایران با برخی از کشورها پرداخته شده است.

در فصل هفتم به بررسی و تحلیل روند تغییرات و تحولات شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه کارگری می‌پردازد. برای رسیدن به این هدف تحقیق حاضر سعی کرده است که تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران راجع به شاخص‌های مورد استفاده خانوارها را رعایت و مورد استفاده قرار دهد. مطالعه مورد نظر در این فصل تغییرات برخی از شاخص‌ها و مولفه‌های برخورداری خانوارها به تفکیک گروه‌های شغلی و مناطق شهری و روستایی و کل کشور ارائه می‌دهد. دوره مورد مطالعه در این پژوهش جهت بررسی روند تغییرات شاخص‌های مذکور از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۵ می‌باشد.

در فصل هشتم به بررسی و تشریح روند تغییرات حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار و تحولات و تغییرات شاخص هزینه‌ها و درآمدها بطور اعم و شاخص هزینه‌های خوراکی بطور اخص،

همچنین مقایسه هر یک از این مولفه‌ها بامیزان حداقل دستمزد در جامعه کارگری و جوامع آماری موردنمونه می‌پردازد. دوره مورد مطالعه، یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۵ می‌باشد. در پایان این فصل یک مقایسه تطبیقی بین روند تغییرات هزینه‌ها، درآمدها و حداقل دستمزد در مورد جامعه کارگری به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل کشور انجام شده است.

از آنجائیکه حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و اتخاذ سیاستهای حمایتی بدون وقوف بر الگوی جامعه و الگوی مصرف اقشار مزبور امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا باید مشخص شود که در سبد مصرفی یک فرد نمونه چه کالایی از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار هستند تا بسته به خصیصه‌های متفاوت قشرهای آسیب‌پذیر سیاستهای حمایتی متفاوتی را بتوان اعمال کرد. فصل ۹ این تحقیق به بررسی کارایی سیاستهای حمایتی و نتایج حاصل از آن می‌پردازد.

در فصل ۱۰ ابتدا با استفاده از ارزش آنالیز واریانس یک طرفه، مطالب مطرح شده در فصلهای قبلی مورد آزمون آماری قرار گرفته و در انتهای فصل نیز بر اساس نتایج فصلهای گذشته و بررسی آماری در این فصل به خلاصه یافته‌ها و برخی پیشنهادات اشاره شده و برخی از نتایج بدست آمده از این تحقیق عبارتند از:

- ۱- شناسایی و پشتیبانی از سازمانهای حمایت‌کننده از اقشار کارگری و حمایت و مساعدت به این سازمانها در جهت نیل و پیگیری اهداف مربوط به افزایش سطح برخورداری و رفاه کارگران؛
- ۲- افزایش نقش مشارکت کارگران در سازمان مربوطه در چهارچوب قوانین و مقررات موجود در جهت افزایش بهره‌وری و سطح درآمد کارگران؛
- ۳- تلاش در جهت برقراری سیستم مناسب تامین اجتماعی برای حمایت موثر از اقشار کارگری؛
- ۴- تلاش در جهت افزایش آگاهی جامعه و رشد فرهنگی در زمینه تبیین سیستم‌های حمایت، سیاستهای حمایتی، تامین اجتماعی، رفاه و جامعه کارگری و دیگر مفاهیم مرتبط با کارگر.